

رویکردهای تاریخی به مسأله انحطاط و عقب‌ماندگی ایران

دکتر ناصر صدقی

دانشیار تاریخ دانشگاه تبریز

سرشناسه	: صدقی، ناصر، ۱۳۵۵-
عنوان و نام پدیدآور	: رویکردهای تاریخی به مسأله انحطاط و عقب ماندگی ایران/ناصر صدقی.
مشخصات نشر	: تبریز: دانشگاه تبریز، انتشارات، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۶ ص.
فروست	: انتشارات دانشگاه تبریز؛ ۷۴۸
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۶۴-۴۸-۶
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه
موضوع	: عقب ماندگی - ایران - علل Underdevelopment—Iran-- Causes
موضوع	: عقب ماندگی - ایران Underdevelopment—Iran

شناسه افزود	: دانشگاه تبریز، انتشارات
رده بندی کنگره	: HV ۶۷۰/۱۸ص۴ ۱۳۹۷
رده بندی یوبی	: ۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۵۵۹۷۸۹



انتشارات دانشگاه تبریز

رویکردهای تاریخی به مسأله انحطاط و عقب ماندگی ایران

تألیف: دکتر ناصر صدقی

ناشر و فروست: انتشارات دانشگاه تبریز؛ ۷۴۸

تاریخ و نوبت چاپ: ۱۳۹۸-اول

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۶۴-۴۸-۶

قیمت: ۲۶۰۰۰۰ ریال

سایت: www.publication.ac.ir

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: اداره چاپ و انتشارات دانشگاه تبریز

این اثر مشمول قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر، نشر یا پخش کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

نشانی: تبریز - بلوار ۲۹ بهمن - دانشگاه تبریز - تلفن: ۳۳۳۹۲۶۶۹ - نامبر: ۳۳۳۴۲۵۶۲ - ۰۴۱

فهرست مطالب

۱ مقدمه

فصل اول: شرایط تاریخی، فکری و وضعیت انحطاط و عقب ماندگی ایران

۵ ۱- مفهوم انحطاط و زوال در تاریخنگاری قدیم ایرانی

۱۲ ۲- تاریخنگاری تجددگرا و مسأله انحطاط و عقب ماندگی ایران

۲۱ ۳- تاریخ‌مندی و گوناگونی فهم مسأله انحطاط و عقب ماندگی تاریخی ایران

فصل دوم: انحطاط و زوال تاریخی ایران در پرتو تاریخ‌نگاری ناسیونالیستی

۲۹ ۱- زمینه‌های شکل‌گیری تاریخ‌نگاری ناسیونالیستی

۳۴ ۲- میرزا آقاخان کرمانی و مسأله انحطاط یا «ترقی معکوس» ایران

۳۴ الف: پایه‌گذاری دانش تاریخی معطوف به شناخت انحطاط تاریخی

۳۸ ب: ادوار و مراحل تنزل و انحطاط تاریخی ایران از نگاه میرزا آقاخان

۴۰ پ: رویکرد دو وجهی میرزا آقاخان به مسأله انحطاط تاریخی ایران

۴۹ ۳- مسأله انحطاط تاریخی ایران در مطبوعات عصر مشروطه

۵۴ الف: تهاجم یونانیان و ابتلاء وطن به «مرض مالیخولیا»

۵۵ ب: هجوم عرب و ابتلاء «مادر وطن» به «مرض سکت»

- پ: سلطه بنی‌امیه و ابتلاء به «مرض فلج» ۵۶
- ت: بنی‌عباس و ابتلاء وطن به «مرض استسقاء» ۵۷
- ث: تهاجم مغولان و ابتلاء ایران به «مرض هار» ۵۹
- ۴- بازخوانی مسأله انحطاط ایران در تاریخ‌نگری ناسیونالیستی عصر پهلوی ۶۱
- ۵- احمد کسروی و مسأله انحطاط تاریخی ایران ۶۹
- الف: پایه‌گذاری دانش تاریخی معطوف به شناخت انحطاط ایران ۷۳
- ب: روندها و عوامل انحطاط تاریخی ایران در تاریخ‌نگری کسروی ۷۷
- پ: ک‌رو و راهکارهای رهایی ایران از انحطاط تاریخی ۸۶

فصل سوم: انحطاط تاریخی ایران در پرتو تاریخ‌نگری دینی

- ۱- سید جمال‌الدین اسدآبادی و مسأله انحطاط تاریخی اسلام و ایران ۹۳
- الف: سید جمال و جایگاه دانش تاریخی در شناخت مسأله انحطاط ۹۶
- ب: زمینه‌های تاریخی انحطاط جوامع اسلامی از نگاه سید جمال ۹۹
- پ: سید جمال و مسأله انحطاط تفکر فلسفی در تاریخ جوامع اسلامی ۱۰۸
- ۲- جلال آل‌احمد و مسأله انحطاط و عقب‌ماندگی تاریخی ایران ۱۱۵
- الف: آل‌احمد و بازخوانی انحطاط تاریخی ایران از خلال مسأله روشنفکری ۱۱۸
- ب: زمینه‌ها و مشخصه‌های انحطاط تاریخی ایران از نگاه آل‌احمد ۱۲۵
- پ: انحطاط تاریخی ایران و مسئولیت جریان «روشنفکری خودی» ۱۳۳
- ۳- علی شریعتی و مسأله انحطاط تمدنی اسلام و ایران ۱۳۹
- الف: اصول و مبانی تاریخ‌نگری شریعتی ۱۳۹
- ب: زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری و بالندگی تمدن اسلامی ۱۴۸
- پ: شرایط تاریخی انحطاط تمدن اسلامی از نگاه شریعتی ۱۵۲
- ت: شریعتی و راهکارهای رهایی تمدن اسلامی از وضعیت انحطاط ۱۵۹

فصل چهارم: موانع تکامل تاریخی ایران در رویکرد مارکسیستی

- ۱- نظریه ماتریالیسم دیالکتیکی تاریخ ۱۶۷
- ۲- مبانی تاریخ‌نگری مارکسیستی-لنینیستی ۱۷۴
- ۳- جایگاه ایران در تاریخ‌نگری مارکسیستی-لنینیستی ۱۸۱
- ۴- ماهیت تکامل تاریخی ایران در تاریخ‌نگری مارکسیستی-لنینیستی ۱۸۵
- ۵- مسأله «توقف» تاریخی ایران در مرحله «شیوه تولید فئودالی» ۱۸۸
- ۶- فرجام تاریخی ایران در تاریخ‌نگری مارکسیستی ۱۹۳

فصل پنجم: مسأله عقب‌ماندگی تاریخی ایران در تاریخ‌نگری لیبرالیستی

- ۱- طرح نظریه شیوه تولید آسیایی در تحلیل تاریخ ایران ۱۹۷
- ۲- همایون کاتوزیان و مسأله عقب‌ماندگی تاریخی ایران ۲۰۳
- ۳- عقب‌ماندگی تاریخی ایران در تاریخ‌نگری احمد اشراف ۲۱۱
- ۴- عقب‌ماندگی تاریخی ایران در تاریخ‌نگری کاظم علمداری ۲۱۹
- منابع و مأخذ ۲۲۴

مقدمه

به لحاظ تاریخی، مهم و توضیح وضعیت تاریخی موسوم به انحطاط و زوال، قدمت و سابقه‌ای طولانی در آگاهی‌های خبّان جامعه ایرانی دارد. در تاریخ نگری سنتی، وزیران و دبیران ایرانی، به عنوان حامیان و حاملان ارزش‌های نظام پادشاهی متمرکز و دیوانسالار در تاریخ ایران، با نگاهی سیاسی و دّورانی به جریان تاریخ، سال‌های استقرار نظم پادشاهی دیوانسالار را در تاریخ ایران به عنوان دوره‌های رونق و نظم و ثبات جامعه ایرانی بیان کرده‌اند. همچنان که در مقابل چنین وضعیتی، مقاطع تاریخی فروپاشی نظم پادشاهی فراگیر و حاکمیت حکومت‌های محلی را در جغرافیای ایران به عنوان عصر هرج و مرج سیاسی و انحطاط و زوال جامعه ایرانی بیان کرده‌اند. با ورود جامعه ایرانی به عصر جدید که همراه با انتهای سده نوزدهم و صدر قاجاریه بود، مفهوم زوال و انحطاط در نظام دانایی‌نخبگان ایرانی، دچار تغییرات و دگرگونی‌های معنایی اساسی شد. از این مقطع، انحطاط و زوال معنای یک جانبه و محدود سیاسی و بسته به موقعیت نظام پادشاهی را از دست داد. به طوری که در نگاه نخبگان تجددگرای ایرانی، ایران به عنوان یک جامعه عقب مانده و دچار زوال و انحطاط فراگیر در تمام ابعاد اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فنی و تکنولوژی و سیاسی تلقی شد. همچنین بر خلاف نگرش نخبگان سیاسی عصر سنت، در تاریخ‌نگری جدید، نظام پادشاهی نه به عنوان عامل ایجاد نظم و ترقی، بلکه به عنوان یکی از مهمترین عوامل انحطاط و عقب‌ماندگی تاریخی ایران مطرح شد.

آگاهی نخبگان ایرانی به وضعیت انحطاط و عقب‌ماندگی تاریخی ایران، قبل از آن که ناشی از تفکر و اندیشه در هستی چنین پدیده‌ای در تاریخ ایران باشد، محصول آگاهی از تجربه پیشرفت و ترقی جوامع اروپایی بود. همچنین مفاهیم انحطاط و عقب‌ماندگی، نه توسط اندیشمندان تجددگرای ایران معاصر، بلکه از طرف اندیشمندان اروپایی عصر روشنگری، مطرح

شد و توسط تجددگرایان ایرانی جهت توصیف وضعیت تاریخی ایران به کار رفت. نخبگان سیاسی و فکری جامعه ایرانی، از ابتدای سده نوزدهم، در اثر مواجهه جدی با پیشرفت جوامع اروپایی و مظاهر مختلف فکری، سیاسی، نظامی و اقتصادی اروپای عصر مدرن، فهم‌شان در مورد وضعیت عقب‌ماندگی ایران شکل عینی‌تری یافت. نتیجه آشنایی و رویارویی نخبگان ایرانی با تجربیات پیشرفت و ترقی جوامع اروپایی، پی بردن به عقب‌ماندگی و انحطاط ایران بود. از نتایج چنین آگاهی و دگرگونی معرفتی، پیدایش بحران هویت و پرسش از چیستی و چرایی وضعیتی بود که جامعه ایرانی دچارش شده بود. یکی از عرصه‌هایی که جهت فهم چرایی عقب‌ماندگی و انحطاط ایران، مورد رجوع و بازخوانی قرار گرفت، تاریخ بود. گویا به جهت «ویرانی» و «عقب‌ماندگی» متصور برای جامعه ایرانی در عصر معاصر، بازخوانی تجددگرایانه تاریخ، می‌توانست نخبگان ایرانی را از آن بحران نجات می‌دهد. بدین‌گونه تاریخ ایران به عرصه و محملی تبدیل شد، برای بازخوانی و شناخت مسأله انحطاط و عقب‌ماندگی ایران بر اساس مقتضیات زمان. تا شاید از این طریق بتوان با یافتن نمونه‌هایی از ترقی و پیشرفت در تاریخ ایران، آن را مبنا و نقطه اطمینان قرار داد، برای جبران بحران هویت و بازایی و بازسازی تجربیات تاریخی مترقی در دوره معاصر.

مسأله عقب‌ماندگی و انحطاط ایران، مقدر ر هستی تاریخی چنین مقوله‌ای، یک امر معرفتی است. به طوری که بی‌توجهی به مبانی معرفتی تاریخی فهم چنین مسأله‌ای و ورود در عرصه هستی‌شناسی تاریخی آن، به معنای افزودن بحران و ابهامی دیگر بر امر شناخت انحطاط و عقب‌ماندگی تاریخی ایران است. بر همین اساس پژوهش حاضر در صدد شناخت و تبیین آن دیدگاه‌ها و جریان‌های معرفتی است که مسأله انحطاط و عقب‌ماندگی ایران را در پرتو آگاهی تاریخی، مورد تأمل قرار داده‌اند. در موضوع مورد بحث، پژوهش جامعی صورت نگرفته است. اثر پژوهشی قابل توجه در این زمینه که از قضا در زمره نشریات دانشگاه تبریز است، توسط دکتر داریوش رحمانیان با عنوان «تاریخ علت شناسی انحطاط و عقب‌ماندگی ایرانیان و مسلمین» صورت گرفته است. در این اثر، دیدگاه‌های ۱۴ نفر از اندیشمندان ایرانی عصر قاجاریه و پهلوی در مورد مسأله انحطاط و عقب‌ماندگی ایران و اسلام، در شکل تک نگاری‌های مجزا بررسی شده است. در اثر مذکور تنها دیدگاه‌های افرادی بررسی شده است که عموماً آنها را می‌توان در زمره نمایندگان جریان‌های فکری ناسیونالیستی و مذهبی لحاظ کرد. در پژوهش حاضر فراتر از افکار و آثار نمایندگان جریان‌های فکری مذکور، دیدگاه‌های نمایندگان دو جریان فکری دیگر در تاریخ نگاری تجددگرایی ایران معاصر، یعنی جریان‌های لیبرالیستی و مارکسیستی هم بررسی شده است.

تلاش برای شناخت و توضیح مسأله انحطاط و عقب‌ماندگی تاریخی ایران، قدمت و سابقه‌ای دو قرن‌ی در نظام دانایی و آگاهی‌نخبگان ایرانی دارد. بازخوانی و بازشناسی فهم‌ها و قرائت‌های مربوط به شناخت چنین مسأله‌ای، می‌تواند مقدمه‌ای برای ورود به عرصه هستی‌شناسی تاریخی مسأله انحطاط و عقب‌ماندگی ایران باشد. ابتدا جریان‌های معرفتی مربوط به شناخت انحطاط و عقب‌ماندگی ایران بر اساس دانش تاریخی، مطابق شباهت‌ها و تفاوت‌های هریک، شناسایی و طبقه‌بندی شده است. در مرحله بعدی، مطابق روش‌های تحلیلی مطرح در جامعه‌شناسی معرفت، هر یک از جریان‌های معرفتی مربوط به شناخت و توضیح مسأله انحطاط و عقب‌ماندگی تاریخی ایران، در ارتباط با شرایط اجتماعی و تاریخی موثر در نடை بررسی شده است. در راستای روش و رویکرد پژوهشی اتخاذ شده، افکار و آثار برخی از نمایندگان صاحب‌نظر هر یک از جریان‌های معرفتی شناسایی شده مبنای بحث قرار گرفته است. در طراح ده سده اخیر، چهار جریان فکری در ارتباط با بازخوانی، توضیح و تبیین مسأله انحطاط و عقب‌ماندگی ایران، در پرتو تاریخ‌نگری جدید، شکل گرفته است. این نحله‌ها بر اساس آراء و اندیشه‌های ساینده‌ن شاخص هر یک، تحت عنوان جریان‌های ناسیونالیستی، مذهبی، سوسیالیستی و لیبرالیستی طبقه‌بندی شده است.^۱

در فصل اول به عنوان مبنای نظری-تاریخی، در ارتباط با مفاهیم انحطاط و عقب‌ماندگی، ویژگی‌های تاریخ‌نگری قدیم ایرانی و نسبت تفاوت‌های آن با تاریخ‌نگری جدید، بحث شده است. پرداختن به تفاوت‌های مفهوم انحطاط و زوال تاریخی در تاریخ‌نگری قدیم و جدید و تأکید بر تاریخ‌مندی و تکثر فهم مسأله انحطاط و عقب‌ماندگی تاریخی، از دیگر مباحث این فصل است. در فصل دوم مسأله انحطاط ایران از خلال تاریخ‌نگری ناسیونالیستی بررسی شده است. مباحث این فصل بر اساس تاریخ‌نگری میرزا آقاخان کرمانی پاری مقالات مطبوعات عصر مشروطه و صدر پهلوی و تاریخ‌نگری احمد کسروی مطرح شده است. در فصل سوم مسأله انحطاط ایران از منظر تاریخ‌نگری دینی بررسی شده است. در این رویکرد تجربیات تاریخی قرون نخستین و میانه اسلامی، مبنا و محملی تاریخی برای توضیح چیستی و چرایی ترقی و انحطاط ایران در گستره تمدنی جهان اسلام قرار گرفته است. موضوعات این فصل بر اساس تاریخ‌نگری سید جمال‌الدین اسدآبادی، جلال آل‌احمد و علی شریعتی مطرح شده است. فصول

۱- لازم به ذکر است که در ذیل برخی از جریان‌های مذکور، دیدگاه‌ها و رویکردهای دیگر نیز وجود دارد که مسأله انحطاط و عقب‌ماندگی ایران را از منظر تاریخی مورد توجه قرار داده‌اند. از جمله توضیح مسأله انحطاط و عقب‌ماندگی ایران بر اساس نقش استعمار و جهانی شدن اقتصاد سرمایه‌داری در عصر جدید و دیگری توضیح عقب‌ماندگی و انحطاط تاریخی ایران بر اساس نظریات و الگوهای تحلیلی موسوم به پاتریمونالیسم و سلطانیسم. با توجه به گستردگی بحث و بارهای مسائل و محدودیت‌های دیگر، پرداختن به این رویکردها به عرصه و زمانی دیگر محول شد.

چهارم و پنجم شامل مباحث مربوط به تبیین مسأله عقب‌ماندگی تاریخی ایران، بر اساس مدل‌ها و نظریه‌هایی چون «نظام فنودالی»، «شیوه تولید آسیایی» و «استبداد شرقی» است. بررسی مسأله موانع تاریخی فراوی تکامل جامعه ایرانی بر اساس تاریخ‌نگری مورخان مارکسیست، چون دیاکونوف، پتروشفسکی، نعمانی، طبری، فشاهی و رئیس دانا، مباحث فصل چهارم را شکل می‌دهد. بررسی مسأله عقب‌ماندگی تاریخی ایران بر اساس رویکرد لیبرالیستی مبتنی بر نظریه شیوه تولید آسیایی و استبداد شرقی، آخرین بخش از مباحث مطرح در پژوهش حاضر است. مباحث این فصل بر اساس دیدگاه‌ها و تاریخ‌نگری محمدعلی همایون کاتوزیان، احمد اشرف و کاظم علمداری مطرح شده است.

همه جریان‌های چهارگانه مورد بحث، در چندین مسأله دارای اشتراک نظر هستند. نخست، در مورد این که این به لحاظ تاریخی جامعه‌ای دچار عقب‌ماندگی و انحطاط بوده، اتفاق نظر دارند. دیگر این که مسأله انحطاط و عقب‌ماندگی ایران را از منظر آگاهی تاریخی و اصالت دادن به تاریخ، برمیخ‌داده‌اند. سوم این که همگی تقریباً با رویکردی ایدئولوژیک به مسأله انحطاط و عقب‌ماندگی ایران نگریسته‌اند و راهکارهایی منطبق با ارزش‌های خود به چنین مسأله‌ای ارائه کرده‌اند. و از چن اشتراکات و شباهت‌هایی، جریان‌های مذکور در چندین زمینه اختلاف نظرهای بنیادین اساسی دارند. نخست این که در مورد معنا و ویژگی‌های وضعیت انحطاط و عقب‌ماندگی تاریخی متصور برای ایران فهم مشترک ندارند. دوم این که دیدگاه‌های نمایندگان جریان‌های مورد بحث در مورد علل و زمینه‌های تاریخی منجر به انحطاط و عقب‌ماندگی تاریخی ایران دارای تفاوت‌ها و معارض‌های اساسی است. سوم این که راهکارهای مطرح از طرف نمایندگان جریان‌های فکری مذکور برای رهایی ایران از وضعیت انحطاط و عقب‌ماندگی، دارای تعارضات جدی است. نتیجه این که نخبگان و تجددگرایانی ایرانی در طول دو قرن اخیر، به جهت نگاه ایدئولوژیک و سیاسی به مسأله پیشرفت و توسعه، هنوز به فهمی مشترک و اصولی در مورد علل انحطاط و عقب‌ماندگی تاریخی ایران نرسیده‌اند. به همین خاطر در زمینه تدوین و اجرای راهکار و برنامه‌ای جامع جهت توسعه ایران چندان توفیقی نداشته‌اند.

ناصر صدقی